



مردی در شهر مشغول خرید بود. در همین حین با یک نبی روبرو شد، یعنی شخصی که می‌دانست در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. مرد نبی را دید و از خود پرسید: "این نبی چه نبوتی برای من دارد؟" این مرد تصمیم گرفت که با وجود بدبینی خود، به نبی گوش دهد. نبی در مورد یک طوفان بسیار شدید، که در پیش رو بود، سخن می‌گفت. او می‌گفت: "این طوفان همه چیز را نابود خواهد کرد. شدت بادهای هر خانه‌ای که زیربنای مستحکمی نداشته باشد را در هم خواهد شکست. ولی خوشبختانه پس از این طوفان، آرامش دلنشینی به وجود خواهد آمد. زمانی برای صلح و آرامش."

سخنان نبی، ذهن این مرد را رها نمی‌کردند. آیا حرفهای نبی را می‌توانست بپذیرد؟ او در مورد این وقایع با یکی از همسایه‌های خود گفتگو کرد. اتفاقاً او نیز پیشگوییهای نبی را شنیده بود و متقاعد بود که نبی چرندیاتی بیش بازگو نکرده است.

زمان خواب که فرا رسید، ذهن شلوغ و قلب آشفته این مرد، نمی‌گذاشتند چشم به روی هم بگذارد. چشمان نبی از جلوی نظرش دور نمی‌شد. نگاه نبی پر از محبت و نگرانی بود. مردم شهر برای نبی اهمیت بسیار زیادی داشتند. پس از نا آرامیهای زیاد و به خود پیچیدن و غلت زدن در تخت، او از تخت بیرون پرید و همسر خود را بیدار کرد و گفت: "من حرف نبی را باور دارم. پس در یک جای امن، یک خانه جدید می‌سازم."

این مرد چند روز آینده خود را به یافتن یک مکان صخره‌ای، در قسمتهای پر ارتفاع شهر پرداخت. وقتی که زمین مورد نظر خود را یافت، آنجا را خرید. او باور داشت که این خانه در چنان ارتفاع بالایی ساخته می‌شود، که حتی اگر سیل هم بیاید، نمی‌تواند آن را خراب کند. او همچنین می‌دانست که این نوع زمین در برابر زلزله مقاوم است. پس از تحقیقات زیادی خانه‌ای بسیار مستحکم ساخت. یک بار همسایه‌اش آمد تا ببیند این همسایه نادانش، مشغول به چه کاری است. خانه قبلی او زیباتر و مجللتر بود. در ضمن خانه قبلی در کنار ساحل بود و از نظر موقعیتی خیلی بهتر از این محله جدید بود. همسایه به خانه باز گشت و شروع کرد به پوزخند زدن به همسایه سابقش: "این همسایه نادان چطور می‌تواند حرفهای یک نبی دروغین را باور داشته باشد."

سالها بعد آنچه نبی گفته بود به حقیقت پیوست و طوفان شدیدی آمد. آن موقع بود که همسایه "نادان"، حکیم به نظر آمد و همسایه "حکیم"، نادان.

این داستان به این منظور نوشته شده تا شما آن را درک کنید و دست به کار شوید. شاید وقتش رسیده که جهالت را انتخاب کنید تا حکمت به دست آورید.

